

راهبردها و شیوه‌های رسانه‌ای غرب برای فروپاشی خانواده

محمد رضا بنیانی^۱

چکیده

فرهنگ یک جامعه، یعنی تمامیت باورها و ارزش‌های آن جامعه و همچنین آداب و رسوم برآمده از آن باورها و ارزش‌ها. چیزی که باعث تثبیت و انسجام این باورها و ارزش‌ها در جامعه می‌شود، خانواده است. استعمارگران با درک و شناخت دقیق این موضوع، به خوبی دریافته‌اند که امروزه آنچه باعث شده حکومت اسلامی ایران استحکام داشته باشد و در طول زمان نیز گسترش بیشتری یابد، انسجام خانواده است که مرکز ثقل فرهنگ اسلامی است. آنان چاره‌ای ندارند که برای از بین بردن فرهنگ اسلامی بر حریم، خانواده هجوم برند؛ بنابراین با در اختیار گرفتن گول‌های رسانه‌ای، به دنبال بلعیدن ارزش‌ها و باورهای فرهنگی جامعه اسلامی هستند. آن‌ها برای نیل به این امر، بیشترین تمرکز خود را روی خانواده گذاشته‌اند و با استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی و پخش فیلم‌های مستهجن، کانون خانواده را آماج حملات خود قرار داده‌اند. آنان با شناسایی دقیق کارکردها و نقش خانواده در پیش‌برد فرهنگ اسلامی، سعی دارند از راه‌های مختلف این کارکردها را از میان برده و خراب کنند. با توجه به اهمیت این موضوع، در این نوشتار سعی شده به بررسی این مطلب پرداخته شود که چگونه و با چه شیوه‌هایی، رسانه‌های غربی دنبال فروپاشی خانواده و فرهنگ اسلامی هستند.

واژگان کلیدی: جنگ نرم، رسانه، جنگ رسانه‌ای، فرهنگ، خانواده، فروپاشی

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

۱. دانش‌پژوه دکترای روان‌شناسی عمومی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام

مقدمه

امروزه می‌بینیم که کشورهای استعمارگر و ابرقدرت، به تکاپوی بیشتری افتاده‌اند تا ممالک دیگر را هرچه بیشتر به سلطه خود درآورند و آنان را استثمار کنند. از طرف دیگر آنان به خوبی دریافته‌اند، راه‌هایی وجود دارد که می‌تواند خیلی راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر آنان را به مقاصدشان برساند. آنان با توجه به این موضوع و درک اهمیت و کاربرد رسانه، برای ابزاری که رسیدن به این مقاصد را بسیار آسان می‌کند، هر روز بر قدرت رسانه‌ای خود افزوده، رسانه‌های نوشتاری و تصویری بیشتری را در اختیار گرفته و از شگردهای تبلیغاتی و اقناعی بسیار پیچیده‌ای برای رسیدن به اهداف خود، استفاده می‌کنند.

در این نوشتار، دنبال پاسخ این سؤالات هستیم:

- چرا کشورهای استعمارگر هر روز بر قدرت رسانه‌ای خود می‌افزایند؟
- نقش رسانه‌ها در کمک به کشورهای استعمارگر در مسیر اهدافشان چیست؟
- رسانه‌ها چرا و چگونه به فرهنگ یک ملت حمله می‌کنند؟
- اهمیت خانواده در جنگ رسانه‌ای چیست؟
- شیوه رسانه‌ها برای فروپاشی خانواده‌ها کدام است؟

جنگ نرم

در دوران استعمار کهنه، استعمارگران از طریق لشکرکشی‌های نظامی و با تکیه بر قدرت نظامی خود، به تسخیر سرزمین‌های دیگر می‌پرداختند. در استعمار نو، از طریق حکومت‌های دست‌نشانده، مزدوران داخلی و قوانین و مقررات بین‌المللی، اهداف

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

پیاپی ۱۳۹۵

استعماری خود را دنبال می‌کردند و در استعمار فرانسه، از طریق تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، ناتوی فرهنگی یا به اصطلاح جدیدتر و کامل‌تر، از طریق جنگ نرم به فعالیت می‌پردازند (شریفی، ۱۳۸۹، ص ۳۱). «جوزف‌نای»، جنگ نرم را این‌گونه تعریف می‌کند: «توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران». بنابراین جنگ نرم، هرگونه اقدام نرم روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار، به انفعال و شکست وامی‌دارد (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۲۹).

در جنگ نرم با استفاده از اقدامات روانی، رسانه‌ای، تبلیغاتی، اجتماعی و فرهنگی، سعی می‌شود جامعه یا کشور هدف، از بُعد اندیشه‌ای و اعتقادی تسلیم مهاجمان شود. به تعبیر دیگر در جنگ نرم، دشمن سعی می‌کند با برنامه‌ریزی کامل و دقیق و با استفاده از همه ابزارهای ممکن، بر باورها، احساسات و رفتارهای جامعه هدف اثر بگذارد؛ به گونه‌ای که همه آنان همان چیزی را باور داشته باشند که او می‌خواهد، همان کاری را انجام دهند که او دوست دارد و همان احساسات و تمایلاتی را ابراز نمایند که او اراده کرده است. در جنگ نرم، مهاجمان سعی می‌کنند از طریق استحاله فکری و فرهنگی، مردمان جامعه هدف را ناخودآگاه به نیروی خودی بدل نمایند. هدف جنگ نرم این است که باورها و ارزش‌های جامعه هدف را به گونه‌ای جهت دهند که همچون مهاجمان بیندیشند، آنچه آنان خوب می‌دانند، خوب بدانند، آنچه بد و زشت معرفی می‌کنند، زشت ببینند و نه تنها از هم‌فکری و هم‌سوئی با دشمنان قسم‌خورده خود احساس شرمندگی نکنند، بلکه با افتخار از آن یاد کنند (شریفی، ۱۳۸۹، ص ۲۷).

در جنگ نرم دشمن از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌کند؛ همچون: سازمان‌های غیردولتی هم‌گرا، رسانه (اینترنت، شبکه‌های ماهواره‌ای و مطبوعات)، نخبگان سیاسی، علمی و اجتماعی، پتانسیل و اگرایی موجود در جامعه (مانند اقوام و اقلیت‌های گوناگون اجتماعی)، جنبش‌های اجتماعی، مانند جنبش زنان و دانشجویان و اپوزیسیون خارج از حاکمیت برای عوامل ابزاری و موقتی (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۳۶).

رسانه‌ها، برجسته‌ترین مؤلفه‌های جنگ نرم شمرده می‌شوند. در این جنگ، بهره‌گیری از رسانه‌ها برای تضعیف هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها، اعم از رسانه‌های

پی

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

نوشتاری، دیداری، شنیداری و به‌کارگیری اصول تبلیغات و عملیات روانی، برای کسب منافع است (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۳۳). در جنگ نرم به‌جای سخت‌افزار، از نرم‌افزارهای رسانه‌ای، چون: رادیو، تلویزیون، پارازیت، خبرگزاری‌ها، اینترنت، ماهواره، ابزارهای دیجیتال و... استفاده می‌شود (ضیایی‌پور، جنگ نرم ۲ ویژه جنگ رسانه‌ای، ص ۱۴۶-۸۱). از دیرباز در مقایسه جنگ نرم با سخت گفته‌اند که متقاعد ساختن یک نفر برای پیوستن به شما، بسیار ارزان‌تر از کشتن او تمام می‌شود. واژه‌ها، بسیار کم‌هزینه‌تر از گلوله‌های تفنگ هستند؛ تا چه رسد به گلوله‌های توپ و بمب‌ها. از سویی نیز با کشتن آن شخص، شما تنها دشمن را از داشتن یک سرباز محروم می‌کنید؛ در حالی که اگر او متقاعد شود به نیروهای شما بپیوندد، هم به ضرر دشمن و هم به نفع نیروهای خودی است و این به‌معنای کسب دو امتیاز با یک حرکت است (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۳۷). جنگ نرم به مثابه راهبرد و استراتژی انتخابی نظام سلطه، برای تسلط بر افکار و اراده ملت‌ها تدوین و طراحی شده است (نباتی، ۱۳۹۱، ص ۵۳).

مقام معظم رهبری، در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در این باره فرمودند: «امروز، جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست. نمی‌گوییم به کلی منتفی است؛ اما خیلی محتمل نیست؛ لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست. اگر احتیاط بیشتری نخواهد، کمتر نمی‌خواهد. در جنگ نظامی، دشمن سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی را سعی می‌کند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ اما در جنگ روانی و آنچه که امروز به آن جنگ نرم گفته می‌شود در دنیا، دشمن سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آن‌ها را منهدم کند؛ سراغ ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور. دشمن سراغ این‌ها می‌آید که منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف بدل کند و فرصت‌های یک نظام را به تهدید بدل نماید. این کارهایی است که دارند می‌کنند. در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند می‌کنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیاییم (شریفی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷).»

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

جنگ رسانه‌ای و فرهنگ

همه جوامع، داشتن فرهنگ پویا و مقتدر را، از نمادهای قدرت و اقتدار ملی خویش می‌دانند. به طور کلی فرهنگ و آیین هر قوم و به تعبیر دیگر فرهنگ هر ملت و کشوری، دربرگیرنده باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم و بایدها و نبایدهایی است که زیربنای اصلی هویت هر کشوری هستند (سریع‌القلم، ۱۳۸۱، ص ۱۰). امام خمینی رحمته الله علیه درباره فرهنگ فرمودند:

«بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف در فرهنگ، هرچند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، پوچ، پوک و میان‌نهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، به ناچار ابعاد دیگر آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالأخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمامی ابعاد، از دست می‌دهد (امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۵۰)».

نظریه «امپریالیسم فرهنگی» بر این امر تأکید دارد که شرط بقای بازیگران مسلط جهانی، بر این است که فرهنگ کشورهای زیر سلطه را در اختیار بگیرند؛ بنابراین ارزش‌ها و باورهای آن‌ها به گونه‌ای استثمارگرایانه بر دیگر جوامع تحمیل می‌شود (ساری، ۱۳۸۸، ص ۴۲). لذا کشورهای استعمارگر در جنگ نرم، ابتدا فرهنگ کشور مقابل را هدف قرار می‌دهند (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۷۸). به عبارت دیگر جنگ نرم، کار خود را با حمله به مبانی فرهنگی و اعتقادی و هنجارهای مسلم و پذیرفته شده جامعه آغاز می‌کند. این تهاجم اولیه، به تدریج، ظهور و گسترش بحران‌های اخلاقی و اجتماعی را در پی دارد و سرانجام به وقوع بحران‌های امنیتی و سیاسی و حتی تغییر نظام‌ها می‌انجامد. در این میان رسانه‌ها، از جمله ابزار اصلی گسترش فرهنگ‌های غیربومی ویران‌گر هستند. رسانه‌های بیگانه که عامل اصلی انتشار و ویروس ابتذال‌اند، در جبهه جنگ نرم فرهنگی حضور می‌یابند و برای آماده‌سازی حضور سیاسی سلطه‌گران، فرهنگ بومی کشورهای هدف را نابود می‌کنند. با

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

وجود این، فرهنگ و هیبت بومی و اسلامی، مانعی اساسی در برابر نفوذ فرهنگ غربی است.

امروز در عالم سیاست، فرهنگ و جهان بین‌الملل، کشوری که فرهنگ خود را در بازی با قدرت‌های بیگانه با بی‌بصیرتی ببازد یا پیوسته مشغول دفاع شود، هرگز نخواهد توانست در میدان جنگ نرم ایستادگی کند (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۹۷).

از نگاه کلی و گونه‌شناسی تهدید، تهدیدهای نظامی بروز و ظهور و چهره‌ای آشکار دارد. تهدیدهای فرهنگی مستور و با چهره‌ای پنهان و با بهره‌گیری از روش‌های پیچیده، تا جایی پیش می‌روند که در عصر کنونی بدون لشکرکشی، کشورگشایی امکان‌پذیر شده است و این امکان برای صاحبان قدرت از طریق فرهنگ‌سازی و هم‌سان‌سازی فرهنگی، شکل‌دهی و مدیریت افکار عمومی ایجاد شده است. در این میان رسانه‌ها، مرکز ثقل و نقش اول را ایفا می‌کنند. در همین زمینه «الوین تافلر» معتقد است: «محور مانورهای قدرت در آینده، چیزی جز قدرت دستکاری در اطلاعات برای شکل‌دهی و کنترل افکار نخواهد بود. در این عرصه، گستره فرستنده‌ها، پیام‌گیران و پیام‌سازان و در یک کلمه رسانه‌ها، در خط اول قرار دارند. رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، با ایجاد تصویر مجازی جهان از طریق انگاره‌سازی و برجسته‌سازی، برچسب‌زنی و... دنیایی ذهنی و غیرواقعی مطابق با منافع صاحبان قدرت را به دنیا مخابره می‌کنند. «هربرت شیلر»، منتقد آمریکایی رسانه‌ها نیز، در این باره معتقد است که سیستم جهانی کنونی، جریان برنامه‌های رسانه‌های غرب، به‌ویژه تلویزیونی آن که عمدتاً از سوی آمریکا شکل گرفته است، هدفی جز حفظ اوضاع کنونی جهان که متضمن استمرار سلطه غرب به جهان است، ندارد (ساری، ۱۳۸۸، ص ۱۶۴). فرماندهان و کارگزاران جنگ نرم، برای تغییر باورها و ارزش‌های جامعه هدف، می‌کوشند از راه دگرگون‌کردن شیوه زندگی افراد وارد شوند؛ تغییر در نوع پوشش، آرایش، طرز خوراک، نوع معماری و مدها و مدل‌های گوناگون، زمینه تغییر در باورها و ارزش‌های افراد را نیز فراهم می‌آورد. ابزارهای رسانه‌ای، همگی برای تغییر در سبک زندگی به خدمت گرفته می‌شوند و به‌صورت آرام و غیرمستقیم، اهداف پشت پرده را عملیاتی می‌کنند (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶).

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

خانواده و فرهنگ

خانواده به لحاظ قدرت، نخستین و از نظر گستردگی، جهان‌شمول‌ترین سازمان یا نهاد اجتماعی در جامعه است. خانواده سنگ بنای همه جوامع بزرگ انسانی است و در استحکام روابط اجتماعی، رشد، تعالی و سلامت روان فرد فرد اعضای جامعه نقش بنیادین دارد. در خانواده، که نخستین ساختار جامعه است، روابط رسمی و قانونی زن و مرد، به شکل مشروع و مقبول و نیز پایه و اساس تعلیم و تربیت و بهداشت روان فرزندان و انتقال ارزش‌های فرهنگی بنیان نهاده شده است. در بیانی کوتاه، خانواده، واحد بنیادین اجتماع و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است که در آن ساختار، شرح وظایف و حقوق هر یک از اعضا پی‌ریزی شده است و چگونگی روابط و مناسبات آن‌ها، با یک‌دیگر تبیین شده است (نوابی‌نژاد، بی‌تا، ص ۱۰۴۶).

بهنجاری یا ناهنجاری جامعه، در گرو وضعیت و شرایط عمومی خانواده است. هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی، فارغ از تأثیر خانواده پدید نمی‌آید؛ بنابراین سلامت جامعه، در گروی سلامت خانواده‌هاست. نقش اصلی و آشکار خانواده، انتقال سینه به سینه ارزش‌ها و میراث فرهنگی و اعتقادی، حفظ روابط خویشاوندی، پرورش و تربیت نفس و تأمین نیازهای اساسی انسان و بالأخره ایجاد تعادل روانی و عاطفی در افراد است (همان، ص ۱۰۴۷). دامان خانواده، نخستین مرکز آموزشی و به‌مثابه اولین مدرسه و دانشگاه است؛ دیدگاه‌ها درباره خدا، هستی و انسان از آن‌جا پدید می‌آید؛ طرز فکرها، عادات، آداب و رسوم، آرمان‌ها، عقاید، فلسفه حیات، برداشت‌های ذهنی از نیک و بد، همه و همه در خانواده سرچشمه دارد (چراغی‌کوتیانی، ۱۳۸۹، ص ۱۹).

هیچ ملتی در تاریخ نتوانسته است بدون اجماع روی ارزش‌ها، برای مدتی طولانی به بقای خود ادامه دهد و برای آن که ارزش‌ها با جامعه باشند، باید به‌طور طبیعی از پایین به بالا سرچشمه بگیرند (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۹). همه طراحان نظم نوین انسانی، خانواده را منبع ارزش‌آفرینی و در نتیجه، دشمن اهداف خود تلقی می‌کنند؛ بدین دلیل درصدد هستند این نهاد را به کلی نابود کنند (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۴۹).

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«مسئله خانواده، مسئله بسیار مهمی است؛ پایه اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه این که اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگران سرایت می‌کند؛ یا اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دیگر سلول‌ها سرایت می‌کند؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلول‌ها چیز دیگری نیست. جامعه، بدون بهره‌مندی از نهاد خانواده سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند (رصد، ۱۳۹۱، ص ۲)».

رسانه‌های بیگانه و خانواده

مطالعات نشان می‌دهد بی‌ثباتی در خانواده‌ها، که به‌مثابه فطری‌ترین و مقدس‌ترین نهاد بشری و حلقه‌های اصلی جوامع و سنگ‌های پاسداری از فرهنگ و ارزش تلقی می‌شود، به دلیل کمبود فکری و روانی افراد جامعه است، روندی رو به گسترش دارد (ریاحی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۵). از مهم‌ترین علت‌های این امر، تمرکز و توجه شدیدی است که بیگانگان برای تخریب خانواده در کشورهای دیگر دارند. در پروتکل شماره ده حکمای صهیون آمده: «ما حیات خانواده را در ملت‌ها از بین می‌بریم و اهمیت تربیتی و اخلاقی آن را نابود می‌سازیم (صفتاج، ۱۳۸۲، ص ۲۳۳)». آنان با استفاده از رسانه‌های مختلف و خصوصاً شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان و با روش‌های مختلف، اسب خود را زین کرده‌اند تا در حد امکان، خانواده اسلامی را از میان بردارند. به همین دلیل با شگردهای مختلف، به سطوح مختلف زندگی اسلامی را در خانواده هجوم کرده‌اند تا بتوانند سبک زندگی اسلامی را از میان بردارند. از مهم‌ترین اموری که از سوی آنان دنبال می‌شود، عبارت‌اند از:

الف) شبه‌افکنی در باورها و اعتقادات مذهبی خانواده

در الگوی نوین امنیت، رسانه‌ها با ایجاد تحول در باورها، ارزش‌ها، اعتقادات، تصاویر، ادراکات و ذهنیات جامعه، زمینه را برای اقناع و پذیرش فراهم می‌آورند. این وضعیت سبب شده پیام‌ها، نمادها، اخبار و اطلاعات، اهمیت خاصی یابند. رسانه‌ها نه تنها واقعیت را، بلکه حتی مهم‌تر از آن، ادراک مردم را از واقعیت تغییر می‌دهند (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵).

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
پیاپی ۱۳۹۵

یکی از شگردهای جنگ نرم، این است که هویت و فرهنگ اسلامی ما را به صورتی هنرمندانه و نامحسوس از میان بردارند یا این که دست کم آن را خرد و ناچیز جلوه دهند و عامل عقب ماندگی و ایزوله شدن معرفی کنند. آن‌ها می‌کوشند، مترقی‌ترین تعالیم را، تعالیمی ضد بشریت معرفی کنند. البته برای تخریب لایه‌های رویین فرهنگ یک جامعه، لازم است لایه‌های زیرینش، یعنی جهان بینی و نظام ارزشی آن، تخریب یا تضعیف شود. اگر جهان بینی و نظام ارزشی یک جامعه دستخوش دگرگونی شود، آداب و رسوم اجتماعی و شیوه زندگی آن‌ها نیز دگرگون خواهد شد (شریفی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶).

ویکرد عمده شبکه‌های دیداری و شنیداری فارسی‌زبان در این باره، بر محور مؤلفه‌های زیر است:

۱. برهنگی زنان را عامل ارتقای شخصیت آنان نشان می‌دهد؛
 ۲. القای این که تضييع حقوق زنان، ریشه در مبانی دینی دارد؛
 ۳. قوانین تبعیض آمیز حقوق زن در اسلام، آن‌ها را شهروندانی درجه دو کرده است.
- مقصد روانی رسانه‌های بیگانه، بی‌توجهی زنان ایرانی به دستورهای دین اسلام و ایجاد گرایش‌های فمینیستی است. هدف نهایی، شامل شکستن حدود و مرزهای دینی و آزادی‌های بی‌قید و ضابطه زنان و فساد اجتماعی می‌شود یا این موضوعات را القا می‌کند:
۱. الگوی نظام، پاسخ‌گوی تنوع‌گرایی و آزادی‌خواهی نسل امروزی نیست؛
 ۲. نوجوانان و جوانان دختر ایرانی، به دلیل استفاده از لباس‌های تیره افسرده شده‌اند.
- مقصد روانی این هجمه، بی‌توجهی به حجاب و حجاب‌زدایی از زن ایرانی است (ریاحی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۶).

ب) زیر سؤال بردن ارزش‌ها و فضائل خانواده

۱. برجسته کردن حقوق در مقابل اخلاق

شناخت صحیح مسائل زنان و مردان و داوری درست درباره احکام و حقوق، بدون توجه به جایگاه منحصر به فردی که خانواده دارد و سخن گفتن از حقوق فردی و اجتماعی مرد یا زن و بررسی حقوق متقابل آن‌ها، بدون عنایت کامل به نقش و موقعیت این نهاد در

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

متون و منابع دینی و از منظر شارع مقدس، امری ناشدنی است و نتیجه‌ای جز سست شدن یا اضمحلال این نهاد مقدس نخواهد داشت؛ حتی اگر در کوتاه‌مدت نیز به نفع زن یا مرد باشد، سرانجام به زیان آنان خواهد بود. یکی از اصول اسلام در نگرش به نهاد خانواده، محور قرار دادن اخلاق در تعاملات اجتماعی و روابط خانوادگی است. هرچند اسلام بر تنظیم رفتار بنا بر حقوق متقابل تأکید دارد، آمیختن اخلاق با حقوق و محور قرار دادن اخلاق را در روابط خانوادگی، کانون عنایت قرار داده است. ارتباط انسان‌ها با یک‌دیگر، خواه در خانواده و خواه در جامعه، همواره نیازمند تبیین خطوط و مرزهایی است که به روشنی مناسبات و روابط انسانی را انتظام می‌بخشد. توجه نکردن به حقوق و تأکید یک‌جانبه بر اخلاق، زمینه را برای هرج و مرج و ازهم‌گسیختگی فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، شأن اخلاق در روابط انسانی با تلطیف رابطه‌ها، ایجاد نشاط و تحریک انگیزه‌ها برای تفاهم و حس ارتباط است؛ از این رو همان‌گونه که ضوابط حقوقی به پیوستگی و پایداری نظام می‌انجامد، ارزش‌های اخلاق به پویایی و بالندگی آن کمک می‌کند. اسلام به انسان‌ها توصیه می‌کند که حریم حقوقی یک‌دیگر را حفظ کنند و به هیچ‌کس حق تعدی به حقوق دیگری را نمی‌دهد؛ در عین حال به اشخاص توصیه می‌کند که درباره حقوقی که بر دیگران دارند، با تسامح برخورد کنند؛ مگر آن‌که چنین تسامحی خود، زمینه‌ساز ناهنجاری باشد. این اصل اسلامی، نقطه مقابل دیدگاه فمینیسم است. جریان فمینیسم معتقد است، زنان برای رسیدن به جایگاه مناسب خود در خانواده و اجتماع، چاره‌ای جز دست یازیدن به حقوق ندارند و تنها قوانین مدنی و جزایی و وجود ضمانت‌اجراه‌های قانونی است که می‌تواند تعادل را در روابط زن و مرد برقرار سازد (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵ و ۱۰۶) و به قول «فیش ایمز»: «ما در حال فرو رفتن در باتلاق یک دموکراسی هستیم که پیش از آن‌که آزادی‌های شهروندان را ببلعد، اخلاق‌شان را فاسد می‌کند (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۱)».

۲. بی‌احترامی به والدین

فضای حاکم بر برنامه‌ها و تولیدات رسانه‌ای، به‌گونه‌ای است که کارهای نیک و پسندیده (همچون احترام به والدین) گویی چندان که باید و شاید ارزش ندارند و از درجه اهمیت

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

آن‌ها به میزان زیادی کاسته شده است. روابط والدین و فرزندان در بسیاری از تولیدات رسانه‌ای، به گونه‌ای ترسیم می‌شود که در آن، فرزندان همیشه از والدین طلب‌کار هستند و پدر و مادر باید همه‌خواست‌ها و نیازهای آنان را برآورده سازند؛ زیرا در غیر این صورت، حتی ممکن است به بزرگ‌ترها بی‌توجهی و بی‌احترامی کنند؛ در حالی‌که به گفته «پستمن» باید توجه داشت: «بی‌ارزش شدن آداب و ادب‌های فردی و اجتماعی و رعایت نکردن احترام و تقدیس بزرگسالان - در عرصه رسانه‌ها - عامل مهمی برای سست شدن روابط و پیوندهای اجتماعی و عاطفی نیز است... به گونه‌ای که درخواست رعایت احترام و ادب بزرگ‌ترها از اطفال و نوجوانان، با تمسخر و استهزا و شانه تکان دادن آن‌ها رو به‌رو می‌شود (همان، ص ۲۶۴ و ۲۶۵)». به نظر او به موازات از بین رفتن احساس شرم و کم‌رنگ شدن زمینه‌های حیا و عفت، شکل‌های گوناگون ادب اجتماعی و محترم‌شمردن منش‌ها و سلوک‌های فردی و جمعی نیز اعتبار خود را از دست خواهند داد. همان‌گونه که عنصر شرم و خجالت، عامل روانی کنترل‌کننده غرایز انسانی است، آداب و رفتارهای سلوک جمعی نیز، عاملی برای نظم و انضباط و قید و بندهای سازنده هستند (آقایی، ۱۳۸۸، ص ۴۷).

۳. ترویج روحیه اسراف، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی

منافع اقتصادی غرب در جوامع اسلامی ایجاب می‌کند، ضمن تغییر فرهنگ در این جوامع، آن‌ها را به سوی اسراف سوق دهد؛ چراکه پس از اشباع بازارهای غربی و اسلامی، جایی برای مصرف باقی نمی‌ماند؛ لذا با تبلیغات گوناگون، سعی در به فروش رساندن هرچه بیشتر کالاهای خود می‌کنند که در این میان، از زن برای یک ابزار تبلیغی، حداکثر استفاده صورت می‌گیرد. ایجاد فرهنگ مصرف‌گرایی از یک سو و فقیر و وابسته نگه داشتن کشورهای تحت سلطه از سوی دیگر، از ابزارهای دشمن برای ضعیف نگه داشتن کشورهای تحت سلطه است؛ چراکه می‌دانند رشد اقتصادی، موجب حفظ شئون ملی و فرهنگی جامعه گردیده و ضمن ارج‌گذاری نظام، به ارزش‌ها و اعتقادات آن کشور برجستگی می‌بخشد؛ ولی در صورت عدم رشد اقتصادی، مشکلاتی از جمله فقر و تنگ‌دستی را به ارمغان می‌آورد که خود زمینه‌ساز بسیاری انحرافات، از جمله انحراف جنسی است؛ زیرا وقتی جوان تحت فشار غریزه جنسی قرار گرفت و زمینه‌های فساد

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

برای او فراهم بود و مشکلات متعدد از جمله فقر مالی، مشکل معیشتی، نداشتن مسکن مناسب و... داشت، به سوی فساد و فحشا کشیده خواهد شد. قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، همواره بر ساده‌زیستی و برخورداری از رفاهی میانه تأکید و بر لزوم یاری ستم‌دیدگان و کوخ‌نشینان سفارش می‌کنند و مسلمانان را از هرگونه اسراف، تجمل‌گرایی، رفاه‌طلبی و مصرف‌گرایی افراطی بر حذر می‌دارند. در دنیای کنونی، اصل حاکم بر رسانه‌های جمعی، تبلیغ سرسام‌آور کالاها و محصولات و تشویق بی‌حد و اندازه مردم به استفاده از چیزهایی است که هر روز، نسخه جدیدی از آن وارد بازار می‌شود.

رسانه‌ها در این راه، به گونه‌ای تبلیغ می‌کنند که گویی زندگی بدون کالاهایی که آن‌ها معرفی می‌کنند، امکان‌پذیر نیست یا دست‌کم بسیار طاقت‌فرساست و این تبلیغات تا حدی است که بسیاری از خانواده‌ها را به مرور زمان، وادار به خریدن آن می‌کند و در خانواده‌هایی که از خریدن ناتوان هستند، مشکلاتی به بار می‌آورد (آقایی، ۱۳۸۸، ص ۴۵)؛ لذا باعث ایجاد احساس سرخوردگی در کسی که توان خرید ندارد و احساس غرور و تکبر در کسی که توان خرید دارد و در نتیجه، به فاصله طبقاتی شدید می‌انجامد. علاوه بر این‌که یکی از ابزارهای انتقال فرهنگ، اجناس و کالاهایی است که از کشورهای دیگر وارد می‌گردند.

۴. از بین بردن تقدس زناشویی

سوگند وفاداری زوجین (نه تنها در برابر یک‌دیگر، بلکه در برابر جمع)، پرمعناترین لحظه در ازدواج است. با چنین سوگندی، هر یک از زوج تعهد می‌کنند که عشق را از بی‌اعتقادی برهانند و آن را وقف اهداف بزرگ‌تر خانوادگی، اجتماعی و معنوی کنند. تهاجم‌هایی که حیات خانواده را نشانه گرفته، در درجه نخست، همین تقدس عشق زناشویی را نابود می‌کند (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۸۸). «کیت میلت»، که یک چهره ضد ازدواج و ضد خانواده است، عقیده دارد: «به‌طور کلی ازدواج باید جای خود را به معاشرت‌های اختیاری بدهد... (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳)». رسانه‌های بیگانه با استفاده از این تفکرات، ریشه‌های استحکام خانواده را که همان تقدس عشق و رابطه زناشویی است، دچار تزلزل و نابودی کرده‌اند.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

ج) آسیب‌رسانی به ساختار خانواده

رسانه‌ها به گونه‌ای غیرمستقیم، در فیلم‌ها، چنان‌الفا می‌کنند که باید در خانواده عدالت برقرار باشد و نباید مرد ریاست زن را عهده‌دار باشد. آن‌ها با این کار، دنبال ایجاد تنش و آشفتگی در خانواده‌ها هستند؛ چراکه وجود ساختار سلسله‌مراتبی قدرت در هر جایی، برای پیشرفت و جلوگیری از مناقشات ضروری است. همچنان که آیه ۳۴ سوره بقره، سرپرستی خانواده را براساس ویژگی‌های طبیعی مردان، برعهده آنان قرار داده است. این ویژگی‌ها به گونه‌ای با اقتدار که بتواند پیوند خانواده را با مسائل بیرونی آن مدیریت کند، ارتباط دارد. این‌گونه از اقتدار که دست‌مایه حفظ شیرازه و تمامیت خانواده است، در جای خود بسیار لازم است. در روایتی امام صادق علیه السلام از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می‌کنند: «اگر زنان، شوهران خود را در حالت اقتدار ببینند، بهتر از آن است که آنان را در موضع ضعف و انکسار ببینند (کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۱۰)».

شوهر یا پدری که تضعیف شده یا توانایی روحی کافی برای اداره خانواده نداشته باشد، موجب ویرانی پایه‌های خانواده خواهد شد. البته روشن است که اقتدار مزبور، با گونه‌های اقتدار در انواع ریاست‌های اجتماعی متفاوت است. امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام به مردان سفارش کرده‌اند: «عشیره و خانواده خود را اکرام کنید؛ زیرا آنان بال‌های پرواز شمایند. آنان اصل و ریشه‌ای هستند که به ایشان بازمی‌گردید و دستانی (قدرتمند) اند که با آن‌ها توانمند می‌شوید (نهج‌البلاغه رضی، ص ۴۰۵)». همچنین در نکوهش زنان آخرالزمان آمده است: «در آن روزگار، دگرگونی‌هایی در سبک زندگی مردم پدید می‌آید که زنان بر شوهران خود انفاق می‌کنند (کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۸)».

اما در نگرش فمینیستی که به نحو شدیدی نیز در فیلم‌ها و تصاویر دنبال می‌شود، زنان را به حضور هرچه بیشتر در عرصه اشتغال و کسب درآمد، استقلال از مردان و نفی هرگونه وابستگی، به‌ویژه وابستگی مالی فرامی‌خواند (علاسوند، ۱۳۸۸، ص ۲۵۹). این موضوع باعث شده است که جایگاه مردان در خانواده تضعیف شده و آنان از احترام و قدرت کافی برخوردار نباشند و همین امر باعث می‌شود درباره وظایف‌شان دلسرد شوند (طباطبایی، ۱۳۹۴، ص ۱).

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

مراتب گوناگون، از اداره اقتصادی تا مشارکت اقتصادی در تأمین مخارج خانواده، با مراتب مختلف تصمیم‌گیری مرتبط است. تأمین اقتصادی خانواده، به‌طور طبیعی برای تأمین‌کننده، حقی را درباره تصمیم‌های نهایی و قاطع مربوط به خانواده پدید می‌آورد؛ به همین دلیل، حضور زنان در اشتغال و برعهده گرفتن بخشی از معاش خانواده، مدیریت مردان را در خانواده، به‌ویژه در مقوله تصمیم‌گیری به چالش کشیده است. اگر مردان زنان را به مشارکت اقتصادی در امور مالی منزل مؤظف کنند یا مانع مشارکت آنان نشوند، به‌طور قهری باید منتظر مطالبات ایشان در بخش مدیریت و تصمیم‌گیری باشند (علاسوند، ۱۳۸۸، ص ۲۶۱)؛ بنابراین سرپرستی مردان با تأمین مخارج خانواده رابطه مستقیم دارد. حفظ این الگو، افزون بر آن که احکام و روابط خانوادگی را حفظ می‌کند، زنان را در شرایط روحی شکننده، درباره تأمین مخارج خانواده قرار نمی‌دهد؛ به آنانی که شاغل هستند، امکان‌پذیرتر است. گزینه بیشتری درباره مصرف درآمدهای خود می‌دهد و از تنش‌ها و فشارهای عصبی‌ای که می‌تواند به کیان عاطفی و مدیریت امور داخلی خانواده آسیب برساند، جلوگیری می‌کند (علاسوند، ۱۳۸۸، ص ۲۶۲).

علاوه بر این، در موضوعات بسیاری به کودکان، نوجوانان و جوانان یادآوری می‌شود، شما همچنان که بزرگ می‌شوید، باید تصمیم‌های مهمی بگیرید. درباره این که چه چیز از نظر شما درست و چه چیز نادرست است. اقتدار والدین و خیراندیشی آن‌ها، یک‌سره مورد تمسخر قرار می‌گیرد یا هم‌ردیف آن‌چه آن‌ها از دوستانش می‌شنوند یا در تلویزیون می‌بینند، به شمار می‌آید (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۷). بدیهی است که مفهوم اقتدار با نظارت مرتبط است و هرچه نظارت مردان بر خانواده و زنان در سازمان داخلی خانواده کاهش یابد، از اقتدار سلسله‌مراتبی آنان در خانواده نیز کاسته می‌شود؛ بنابراین نه فقط نقش‌های جنسیتی زوج درباره یک‌دیگر، بلکه نقش‌های جنسیتی آنان در زمینه والدگری نیز دست‌خوش دگرگونی‌هایی نه چندان مطلوب می‌شود (علاسوند، ۱۳۸۸، ص ۲۴۲).

د) به‌هم‌ریختگی نقش‌های اعضای خانواده

نقش، به وظایف و انتظاراتی اشاره دارد که برای هر فرد بر حسب پایگاه اجتماعی‌اش، تعیین شده است؛ بنابراین نقش جنسیتی عبارت است از: «انتظارات غالب در یک جامعه،

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

پیاورد ۱۳۹۵

دربارهٔ فعالیت‌ها و رفتارهایی که مردان و زنان می‌توانند یا نمی‌توانند در آن‌ها درگیر شوند (بستان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۶).

بی‌شک الگوی تفکیک جنسیتی نقش‌ها در دوران گذشته و نیز در بسیاری از خانواده‌ها در دوران معاصر، استحکام خانواده را به بهترین شکل تأمین کرده است. هم‌چنین از آن‌جا که زنان شاغل، به‌ویژه شاغلان تمام وقت، امکان تأمین نیازهای عاطفی شوهران خود را ندارند، بروز اختلال در روابط خانوادگی دور از انتظار نیست؛ از این روی، پژوهشگران شاخص‌های بی‌ثباتی خانواده را، از جمله اندیشیدن دربارهٔ طلاق در خانواده‌هایی با زنان شاغل، بالاتر یافته‌اند (همان، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱)؛ همان‌گونه که بین میزان ورود زنان به بازار کار و میزان طلاق، هم‌بستگی مثبت دیده‌اند (همان، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱).

می‌توان بین همسانی نقش‌های زن و مرد و پاره‌ای مشکلات اجتماعی، همچون پایین آمدن ضریب امنیت جنسی زنان، افزایش جرائم زنان، افزایش میزان سقط جنین و کودکان نامشروع، افزایش خانوارهای تحت سرپرستی زنان و پدیدهٔ زنانه‌شدن فقر، هم‌بستگی‌هایی را مشاهده کرد (همان، ۱۳۸۸، ص ۱۸۷). روایات آخرالزمان که به بیان ویژگی‌های منفی عصر پیش از ظهور می‌پردازد، به جابه‌جایی نقش‌ها و جایگاه‌ها، به‌منزلهٔ نقاط تاریک آخرالزمان اشاره کرده‌اند. این روایات به‌خوبی بیان می‌کنند که اسلام بر حفظ موقعیت‌های متفاوت زن و مرد تأکید دارد و حرکت به سمت برابری نقش را، انحراف دانسته است. امام صادق علیه السلام در بیان ویژگی‌های منفی آخرالزمان فرمود: «... آن‌گاه که ببینی زنان در حال قهر و غلبه بر شوهران‌اند و کارهایی را که سبب نارضایتی همسران‌شان است انجام می‌دهند و هزینه‌های اقتصادی شوهران‌شان را تأمین می‌کنند... و آن‌گاه که ببینی زنان بر حکومت چنان مسلط شده‌اند که اقدام به کارها جز با تمایل آنان انجام نمی‌شود...» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیان ویژگی‌های منفی آخرالزمان فرمود: «آن‌گاه که... مرد از همسرش فرمان‌بری (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۴) کند، به همسایه ستم روا دارد و ارتباط خویشاوندی را قطع کند رحم و شفقت (در حق کوچک‌ترها) از میان بزرگ‌ترها برود و حیا از میان کوچک‌ترها رخت بربندد... و مرد پدر خود را دشنام دهد و به برادر خود حسادت ورزد... و مردان به لباس‌های زنانه آراسته شوند و لباس حیا از زنان گرفته شود... (همان، ص ۲۶۲)»

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

امام علی علیه السلام در بیان علایمی که زمان خروج دجال را نشان می‌دهد، فرمود: «... آن گاه که... زنان را در منصب مشاوره نشانند و ارتباط خویشاوندی را قطع کنند... و زنان به خاطر فزون‌طلبی، همراه همسران‌شان در تجارت مشارکت کنند... و زنان، خود را چون مردان و مردان، شبیه زنان بیارایند (همان، ص ۱۶۲).»

لازم به ذکر است که الگوی تقسیم کار برابر و مشابه که امروزه در بسیاری کشورها در حال گسترش است، گرچه ممکن است به‌طور مقطعی و آن هم با معیارهای فردگرایانه پی‌آمدهای مثبتی مانند رضایت درونی همسران داشته باشد، روی دیگر این سکه، تأثیر منفی آن بر سلامت اخلاقی و امنیت جنسی در جامعه است؛ زیرا نفس حضور گسترده زنان در محیط‌های عمومی که معمولاً از اختلاط جنسی منفک نیست، بر نگرش‌ها و رفتارهای جنسی مردان و حتی خود زنان اثر می‌گذارد. افزون بر این، الگوی مزبور به گواهی شواهد تجربی در سست‌شدن پایه‌های خانواده اثرگذار است و نیازی به توضیح ندارد که با فروپاشی خانواده‌ها، حتی اهداف اولیه ازدواج، یعنی آرامش روانی همسران و تربیت فرزندان سالم نیز امکان تحقق نمی‌یابد (بستان، ۱۳۸۸، ص ۱۹۷). امروزه رسانه‌ها چنان تبلیغ می‌کنند که زن و مرد هیچ‌گونه تفاوتی ندارند و محصور کردن زنان در برخی امور یا تعیین برخی نقش‌ها برای آنان، توهین به زن و مانع رشد و شکوفایی آنان می‌شود.

ه) آسیب به کارکردهای خانواده

نهاد خانواده همچون نهادهای اجتماعی دیگر، کارکردهای مهمی دارد که هر کدام نیازی از نیازهای بشر را در نظام اجتماعی برآورده می‌کند. از میان کارکردهای گوناگون خانواده، بر چندین کارکرد مهم تأکید کرده‌اند، که عبارت‌اند از: تولید مثل، محافظت و مراقبت، اجتماعی کردن، تنظیم روابط جنسی، تأمین عاطفه و همراهی و کارکرد اقتصادی (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

بدون تردید بیگانگان با درک اهمیت این کارکردها، خوب می‌دانند که برای کاهش نقش یک خانواده مؤثر، باید به‌گونه‌ای، این کارکردها را از مسیر اصلی خود خارج نمایند. در ادامه سعی می‌کنیم به بررسی این موضوع بپردازیم که رسانه‌های بیگانه، چگونه با

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
پیاورد ۱۳۹۵

آسیب‌رسانی به کارکردهای خانواده، در عمل کرد مناسب آن مانع ایجاد کرده یا آن را از مسیر اصلی خارج می‌کنند.

۱. تبدیل کارکرد اقتصادی به رقابت، فردی‌نگری و خودخواهی

در رویکرد اسلام، خانواده به‌مثابه نهادی اساسی در جامعه، اصل و محور است. باید خانواده به‌منزله اولویت، نقش خویش را در شکل‌گیری هر موقعیت اجتماعی و فردی زن و مرد و هر نقشی که آن‌ها برعهده می‌گیرند، ایفا کند. مدینه فاضله‌ای که اسلام ترسیم می‌کند و جامعه مدنی و توسعه همه‌جانبه که اکنون آرمانی جهانی برای ملت‌ها - از جمله امت بزرگ اسلامی - شده است، بدون حضور سازنده و فعال «نهاد مقدس خانواده» و بدون شروط و لوازم شکل‌گیری «خانواده مطلوب» در جامعه اسلامی، امکان تحقق ندارد.

خانواده به‌منزله نهادی اجتماعی، هسته اولیه جامعه است و فقط رهنمودهای دینی، خاستگاه موقعیت ممتاز و ویژه آن نیست. افزون بر آن همه تأکیدهای دینی و ارزش‌هایی که برای آن وارد شده است و افزون بر آن همه دستورالعمل‌هایی که برای شکل‌گیری صحیح، تعیین مسئولیت‌ها، راه‌حل مشکلات و تحکیم روابط خانوادگی صادر شده است، منافع و ارزش‌های گسترده‌ای که دارد، به‌مثابه واقعیاتی ملموس برای همه روشن است؛ از این رو در سخنی از امام رضا علیه السلام می‌خوانیم که اگر حتی درباره ازدواج آیه‌ای نازل نشده بود و روایتی نیز وجود نداشت، همان نیکی به خویشان و انس و الفتی که با دیگران در آن وجود دارد، به اندازه‌ای است که انسان خردمند به آن رغبت کند و انسان موفق و کاردان به سوی آن بشتابد (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۳، ص ۲۶۴).

«دورکیم» بر مبنای جامعه‌شناختی خود به‌شدت منتقد فردگرایی است. او به نکته درستی در این‌باره اشاره می‌کند. از نظر وی، فردگرایی مفرط به این دلیل که نمی‌تواند منابع لازم دل‌بستگی یا نظم را در سطح مناسب برای مردم فراهم سازد، وضعیتی پدید می‌آورد که در آن افراد (به لحاظ روانی) آسیب‌های جدی می‌بینند. فردگرایی مستلزم خودخواهی است. در حالت خودخواهی، تعادل میان فرد و جامعه به هم می‌خورد؛ زیرا فعالیت‌ها و باورهای او بر پیوندهای جمعی تقدم می‌یابد. روشن است دسته‌ای از این

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

پیوندها که قربانی خودخواهی و فردگرایی می‌شوند، پیوندهای خانوادگی‌اند (علاسوند، ۱۳۸۸، ص ۲۴۱).

در این میان نقش‌های جنسیتی که برای رفع نیازهای متقابل و بر مبنای ضرورت زندگی‌های جمعی و خانوادگی شکل گرفته‌اند، در نظام‌های فردگرا تضعیف می‌شوند. نقش‌های خانگی زنان، از جمله مادری و همسری، به عقیده جامعه‌شناسان فمینیست، نقش‌هایی هستند که با فردیت و حس استقلال آن‌ها تناسب ندارند. از سوی دیگر، چنانچه زن ازدواج کرده و نقش نان‌آوری را بر عهده گیرد، خطر رقابت با شوهر پدید می‌آید و این امر برای وحدت و هماهنگی خانواده بسیار زیان‌آور است (بستان، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰).

۲. تنظیم رفتار تولید مثل

اصولاً مهم‌ترین علتی که انسان‌ها را به ازدواج و تشکیل خانواده وامی‌دارد، علاقه و نیاز به استمرار نسل است. ریشه این امر را می‌توان در علاقه همیشگی بشر به بقا و حب ذات دانست. نوع بشر همیشه در پی رمز و راز جاودانگی بوده و وقتی از خلود و وجود دائم خود در این دنیا ناامید شده، وجود نسل را تنها راه بقا و جاودانگی دانسته است (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۵). از نظر اسلام همسر دوستی، رابطه جنسی و نیاز غریزی انسان‌ها به جنس مخالف، تدبیری خدایی است که سبب‌ساز پیوند زن و مرد و در نتیجه، استمرار نسل بشر است:

«ای مردم! بترسید از عصیان پروردگار خود، آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن، جفت او را خلق کرد و از آن دو تن، خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برانگیخت...» (نساء: ۱)

از این گونه آیات، استفاده می‌شود که به سبب غریزه جنسی، نسل انسان تداوم می‌یابد و این‌که رابطه زناشویی برای تکثیر نسل در متن خلقت قرار داده شده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۱)؛ بنابراین چیزی که فطرت انسان است و در طبیعت خلقت بشر وجود دارد، به خودی خود نمی‌تواند ارزش منفی داشته باشد.

فمینیست‌های لیبرال، عموماً عدالت جنسیتی را در قالب همسانی نقش‌های زن و مرد تعریف می‌کنند؛ در حالی که دیدگاه‌های رادیکال، به دلیل آن‌که دستیابی به برابری و

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
په‌ار ۱۳۹۵

عدالت جنسیتی را با حفظ ساختارهای اجتماعی موجود ناممکن می‌شمارند، حتی ارزشمندی اموری مانند ازدواج، تولید مثل و تربیت فرزندان را انکار کرده‌اند. «دوبوار» تولید مثل را کارکردی طبیعی و حیوانی می‌داند که با امکان ارتقا و تعالی زن ناسازگار است. (بستان، ۱۳۸۸، ص ۱۷۹) و «اتکینسون»، ازدواج را بردگی، تجاوز قانونی و کار بدون دست‌مزد نامید (همان). تشویق زنان به رهاشدن از محدودیت‌های طبیعی، به‌ویژه تولید مثل و پرورش فرزندان، تشویق آنان به پیروی از مردان در ورود به دنیای کار و فرهنگ و بزرگ‌نمایی ارزش‌های اجتماعی مادی، از جمله قدرت، ثروت، منزلت، آزادی و استقلال شخصی، در دستور کار جنبش فمینیسم قرار می‌گیرد (همان، ص ۱۹۱).

امروزه کشورهای بیگانه با توجه به این‌که از رشد کمی و کیفی جامعه ایرانی هراس دارند، با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای - به‌ویژه فیلم‌ها - چنان به مردم القا می‌کنند که اولاً فرزند و فرزندآوری، باعث جلوگیری پیشرفت زن و خودشکوفایی او می‌شود و ثانیاً، باعث می‌شود که اندام زن زودتر خراب شود و پیر و فرسوده گردد.

۳. تبدیل رفتارهای جنسی مشروع به بی‌بندوباری و لابی‌گری

یکی از کارکردهای مهم خانواده، تنظیم روابط جنسی است. اساساً یکی از هدف‌های ازدواج و تشکیل خانواده، تأمین نیازهای جنسی زن و مرد است. بی‌شک بدون جذب و انجذاب جنسی و روابط جنسی مطلوب، زندگی زناشویی با سعادت و شیرینی همراه نخواهد بود. دانشمندان بر این نکته تأکید کرده‌اند که مسائل جنسی در زناشویی نقش مهمی را بازی می‌کنند و داشتن روابط جنسی مطلوب، از ضروریات هر خانواده است. اغلب اشکالات خانوادگی - مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم - معلول ناسازگاری‌های جنسی است (استون، ۱۳۷۱، ص ۲۱۳ و ۲۱۴).

در روایات اسلامی نیز به‌غریزه جنسی انسان‌ها اشاره و بر ارزش مثبت آن تأکید شده است. در برخی روایات، علاقه به زنان از جمله اخلاق پیامبران و از نشانه‌های ایمان دانسته شده است. هم‌چنین علاقه به زنان، به‌منزله نور چشم پیامبر و لذت‌بخش‌ترین چیزها معرفی شده است. روشن است که علاقه به زنان، گاه به سبب جنبه‌های عاطفی و گاه به دلیل مسائل جنسی است. شهید مطهری در تبیین اندیشه اسلام در این زمینه می‌نویسد:

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

«مردان فقط در محیط خانوادگی و در کادر قانون ازدواج و با یک سلسله تعهدات سنگین می‌توانند از زنان در جایگاه همسران قانونی، کام‌جویی کنند؛ اما در محیط اجتماع، استفاده از زنان بیگانه ممنوع است و زنان نیز، از این‌که مردان را خارج از کانون خانواده کامیاب سازند، به هر صورت و به هر شکل ممنوع هستند (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۴۳۲-۴۳۳).

لذا اسلام، آزادی‌های جنسی و رفتارهای جنسی بی‌قیدوبند و رها از هرگونه الزامات اخلاقی را امری زشت و مذموم می‌داند و برای آن، کیفی‌هایی ویژه مشخص کرده است (چراغی‌کوتیانی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۸). اسلام به زنان و مردان توصیه می‌کند که جامعه اسلامی را با رفتارهای نیک، پاک نگاه دارند و از رفتارهایی که طهارت اجتماعی را به خطر می‌اندازد، پرهیز کنند. از نظر اسلام به‌کارگیری این راهکارها برای محدودسازی روابط جنسی در خانواده، به بهداشت روانی اجتماعی کمک می‌کند و از جنبه خانوادگی، سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوج می‌گردد و از جنبه اجتماعی، موجب حفظ استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌شود. از نظر وضع زن در برابر مرد نیز سبب افزایش ارزش او در برابر مرد می‌گردد (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۴۳۳).

غریزه جنسی و مسائل مرتبط با آن، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که تقریباً همه مکاتب و ادیان، به‌ویژه دین مبین اسلام به‌شدت بر آن تأکید داشته که باید در پرده شرم و حیا و عفاف قرار گیرد؛ زیرا در غیر این صورت، خانواده که مقدس‌ترین نهاد اجتماعی و عامل بقای ملت‌ها و جوامع است، دچار تزلزل می‌شود و در نتیجه، سلامت اخلاقی جامعه با تهدید جدی روبه‌رو خواهد شد (آقایی، ۱۳۸۸، ص ۴۳).

در دو دهه اخیر، رواج صنعت پورنوگرافی براساس طرز تفکر آزادی‌های جنسی، انتقال فرهنگ خشونت از طریق فیلم‌ها و سریال‌های مختلف تلویزیونی شبکه‌های ماهواره‌ای و مطبوعاتی، به تشکیل فضایی انجامیده است که امنیت فکری و روانی زنان را به مخاطره انداخته است. در این میان، از زن برای یک موجود زیبا، ظریف و اثرگذار در مرد، استفاده ابزاری می‌شود. سردمداران غرب با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

پیاورد ۱۳۹۵

تبلیغاتی و برای ارزش‌زدایی از جوامع اسلامی، فرهنگ بی‌حجابی و اختلاط زن و مرد را رواج می‌دهند (افشانی و زارعان، ۱۳۹۳، ص ۵۲). «برژینسکی» در این باره می‌گوید: «اصول اولیه داشتن زندگی سالم خانوادگی، با لذت‌گرایی و بی‌بندوباری مخالف است؛ زیرا این اصول انسان را در مقابل ایشار، وفاداری و اعتماد، مسئول می‌شناسد. در مقابل، تضعیف پیوندهای خانوادگی، فرد را هرچه بیشتر اسیر هوس‌ها و الگوهای زودگذر می‌کند و از این رو اعتقاد درون، به تدریج رنگ می‌بازد و در فاصله‌ای کم، پیروی از علایق شخصی، توجیهی برای خودمحوری می‌شود. تمام این‌ها در تضاد آشکار با نسل معتقد به اصول پایدار است. آمریکا به وضوح نیازمند یک دوره بازاندیشی، بازنگری فلسفی و انتقاد از فرهنگ خودی است. آمریکا باید به درستی، این واقعیت را بپذیرد که لذت‌طلبی با نسبی‌گرایی که راهنمای اصلی زندگی مردم شده است، هیچ‌گونه اصول ثابت اجتماعی را ارائه نمی‌دهد. او باید بپذیرد جامعه‌ای که به هیچ‌یک از ویژگی‌های مطلق اعتقاد ندارد، بلکه در عوض رضایت فردی را هدف قرار می‌دهد، جامعه‌ای است که در معرض تهدید، فساد و زوال قرار دارد (شریفی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۶)».

«پستمن» بر رویکرد رسانه‌های جمعی در عصر جدید، در باب مسائل جنسی به شدت می‌تازد و می‌گوید:

«لباس، ابزاری برای پوشاندن جایگاهی است که باید در پرده عفاف قرار گیرد و رمز و راز داشته باشد و شرم و حیا را دارای اعتبار سازد. زمانی که ابزار ستر و عفاف را زایل می‌کنیم، اصل مقوله عفت و شرم را بی‌اعتبار ساخته‌ایم و این‌گونه است که رفته‌رفته، زشتی و قباحت زنای با محارم و هرزگی و بی‌بندوباری جنسی و اعمال خشونت‌آمیز و هم‌جنس‌بازی و اختلالات روحی و نداشتن تعادل‌های روانی رنگ می‌بازد و آنچه دیروز زشت، نفرت‌آور و نکوهیده بود، امروز حداکثر یک امر نامتعارف قلمداد می‌شود و همین از دست‌دادن زشتی‌هاست که پایه‌های اخلاق و سلامت روانی جامعه را سست و متزلزل می‌سازد (آقایی، ۱۳۸۸، ص ۴۳)».

رسانه‌های الکترونی با این روش که به پرده‌داری حرمت حریم و حرم‌ها و

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

آشکار ساختن جزئیات زندگی زن و مرد و مسائل پیدا و نهان جهان بزرگسالان می‌پردازند و هیچ مصلحت و صلاح و هیچ زشتی و پلیدی را مدنظر قرار نمی‌دهند، ضربه‌ای هولناک بر پیکره فرهنگ اجتماع وارد ساخته و مرز بین اخلاق و غیراخلاق را تا حدود زیادی از بین برده‌اند. حدود و چگونگی رابطه بازیگران زن و مرد، نوع گفتار، نوع لباس پوشیدن، نوع رفتار و تعاملات و همچنین نوع نگاه کردن آن‌ها به یک‌دیگر، آن هم به مدد شگردهای پیشرفته رسانه‌ای و با تکیه بر فنونی همچون: صداگذاری، تصویرپردازی، نور و رنگ، فضایی را پیش چشمان مخاطب خلق می‌کند که وی جذب آن می‌شود و به مرور زمان، تلاش خواهد کرد همچون: بازیگران و هنرمندان فضای رسانه، خود او هم در فضای عینی جامعه، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر آن‌ها را جاری سازد (آقایی، ۱۳۸۸، ص ۴۴).

اما آنچه امروزه رسانه‌ها، به‌ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای به تبلیغ آن می‌پردازند، روابط زناشویی خارج از چارچوب خانواده است؛ روابطی که هر روز باعث آسیب بیشتر به جوامع بشری می‌گردد. بدون وجود ازدواج و خانواده برای تنظیم میل جنسی، دچار آشفته‌بازاری از روابط جنسی خواهیم شد که در آن، انسان‌ها حیواناتی جفت‌جو می‌شوند که تحریکات جنسی برای‌شان همه‌چیز و تعهد و مسئولیت، هیچ است. همین قیود اخلاقی مربوط به ازدواج و خانواده است که انسان‌ها را وامی‌دارد، احساسات پست شهوانی خود را پالایش و آن را به سطح بالاتری هدایت کنند. باشکوه‌ترین شکل این تطور در مکتب افلاطونی - مسیحی قرن شانزدهم به چشم می‌خورد که عشق انسانی را پله نخستین برای نیل به فرخنده‌ترین عشق، یعنی عشق به خدا می‌دانست.

۴. از بین رفتن کارکرد مراقبتی خانواده

خانواده سنتی، تاکنون یگانه نهاد اجتماعی در جهان بوده که موفق شده عشقی بی‌قید و شرط را به کودکان تقدیم کند. تمام نهادهای دیگری که برای پرورش کودکان طراحی شده‌اند، از جمله مهدکودک‌ها، مدارس و غیره - به عکس خانواده - به عمد بی‌تفاوت و بی‌طرف هستند. آن‌ها اصرار دارند که با تمام کودکان، یک‌سان برخورد کنند؛ اما این چیزی نیست که کودکان به آن نیاز دارند. کودکان برای این‌که فرد متمایزی از دیگران

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
پیاورد ۱۳۹۵

باشند و به سلامت رشد کنند، به جانب‌داری از سوی والدین واقعی خود نیاز دارند. فقط والدین هستند که در طول زندگی کودکان، چنین عشق و توجهی را به آنان عرضه می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۹۲).

همان‌گونه که «لیندا پولاک» تأکید می‌کند: «بی‌طرفی کافی نیست. شخصیت در حال رشد، نیاز دارد بداند کسی هست که به او بیش از دیگران اهمیت می‌دهد؛ کسی که برای او نه تنها به کارهای معقول دست می‌زند، بلکه مرتکب کارهای نامعقول هم می‌شود»؛ ولی کارمند مهدکودک در صورتی که چنین کند، مجازات می‌شود. این موضوع قابل بحث است که بدون چنین جانب‌داری‌هایی، به‌ویژه در سال‌های اولیه حیات کودک، پرورش کودکانی سالم و دارای امنیت عاطفی، غیرممکن است. به این ترتیب خانواده طبیعی، همان‌گونه که «کریستوفر لاش» آن را وصف کرده، حقیقتاً پناه‌گاهی امن در این دنیای بی‌عاطفه است (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۹۳).

اما آنچه امروزه مشاهده می‌شود، نگرش‌های فمینیستی است که این‌گونه کارکردها را احمقانه معرفی کرده و زن حمایت‌گر و مراقبت‌کننده را، موجودی بدون درک معرفی می‌کنند. «سیمن دوبوار»، مؤلف کتاب «جنس دوم (یکی از کتاب‌هایی که جنبش ضد مرد فمینیسم مدرن را به تحرک واداشت)» می‌گوید: «هیچ زنی نباید مجاز باشد تا در خانه بماند و فرزندانش را بزرگ کند. جامعه باید به‌طور کامل متفاوت شود. زنان نباید حق انتخاب داشته باشند؛ دقیقاً به این دلیل که در صورت داشتن حق انتخاب، بسیاری از آن‌ها سرگرم همان کارهای پیشین می‌شوند (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱)». «بتی فریدان»، نویسنده کتاب «رمز و راز زنانه (۱۹۶۳)»، جامعه آمریکا را اغلب با نازیسم مقایسه می‌کرد. او خانه سنتی را به «اردوگاه کار اجباری» تشبیه می‌کرد که زندانیان آن، زنان خانه‌داری هستند که با نیروی زنانگی، شست‌وشوی مغزی شده‌اند و دیگر به‌طور کامل انسان نیستند (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). کیت میل (فمینیست رادیکال هم‌جنس‌گرا) در کتاب خود تحت عنوان «سیاست جنسی (۱۹۷۰)» می‌گوید: «خانواده، نهادی ستمگر است. زنان ملک مردان و برده صرف هستند.»

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

رسانه‌ها با تمسک به این دیدگاه‌ها، در فیلم‌ها چنان‌کاری می‌کنند که زنان از خود خجالت می‌کشند، وقتی دارای فرزند باشند و مجبور شوند به آن‌ها شیر بدهند و از آنان مراقبت کنند. با توجه به کوشش‌های گسترده‌ای که در جوامع غربی برای حذف الگوهای نقش جنسیتی صورت گرفته، امروزه بسیاری از والدین به جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی درباره فرزندانشان کمتر حساسیت نشان می‌دهند و تأثیر عمیق این امر، بر نگرش جنسیتی فرزندان بر کسی پوشیده نیست. همچنین باید بر نقش اساسی رسانه‌های گروهی، در جامعه‌پذیری کودکان و بلکه بزرگسالان تأکید کرد که بدون شک، فیلم‌ها از اثرگذارترین آن‌ها بوده‌اند. همان‌گونه که یکی از نویسندگان غربی در تحلیل محتوایی فیلم‌ها گفته است: «پدر احساساتی و مادرصفت و مادر شاغل، به صورت مضامین شناخته‌شده و رایج فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی درآمده‌اند (بستان، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲)».

نتیجه‌گیری

آنچه امروزه به وضوح عیان است، این‌که کشورهای ابرقدرت و استثمارگر با در اختیارگرفتن امپراتوری‌های رسانه‌ای برای تسلیم ملت‌های دیگر، به فرهنگ آن‌ها هجوم می‌برند؛ چراکه خوب می‌دانند فرهنگ هر ملت، به مثابه ریشه آن است و خوب می‌دانند که مرکز ثقل فرهنگ، خانواده است؛ لذا برای از بین بردن فرهنگ ملت، باید مرکز ثقل آن و چیزی را که تمام تار و پود فرهنگ را به هم می‌بافد، مورد تعرض و آسیب قرار دهند.

با توجه به این امر، بیگانگان به خوبی دریافته‌اند که فرهنگ اسلامی کشور ایران نیز، با حضور مستحکم خانواده‌ها حمایت شده و انسجام می‌یابد؛ لذا آنان سعی کرده‌اند با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای قوی، همچون: ماهواره‌ها، شبکه‌های اینترنتی و... و با ساخت فیلم‌های مختلف و متنوع، این نهاد ریشه‌ای را به چالش بکشانند. آن‌ها تلاش کرده‌اند با درک کارکردهای یک خانواده، به‌طور دقیق‌تری این کارکردها را تحلیل و سپس کاملاً ویران کنند که تا حدودی نیز در این امر موفقیت‌هایی داشته‌اند؛

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

پیاورد ۱۳۹۵

لذا بر همه اجزای جامعه اسلامی - سطوح بالا تا پایین - واجب است که در این باره دقت کرده و این آسیب‌ها و خطرهای را شناسایی کنند و هم خود از آنها دوری کرده و هم به دیگران اطلاع‌رسانی دقیق و جامعی نمایند.

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. افشانی، سیدعلیرضا و زارعان، احمد؛ نقش رسانه‌ها در گسترش و تعمیق فرهنگ عفاف و حجاب و تأثیر آن بر امنیت فردی و اجتماعی، فصل‌نامه دانش انتظامی خراسان شمالی، سال اول، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳.
۲. بستان، حسین؛ نقش‌های جنسیتی از دیدگاه اسلام با نگاهی به علوم اجتماعی، مجموعه مقالات: هویت و نقش‌های جنسیتی، تهران: مرکز امور زنان و خانواده، ۱۳۸۸.
۳. چراغی کوتیانی، اسماعیل؛ خانواده، اسلام و فمینیسم: تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.
۴. حسینی، سیده صدیقه؛ اهداف فرهنگی در جنگ نرم رسانه‌ای (رسانه ملی و الگوها)، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۲.
۵. ریاحی، محمدرضا؛ ایران و آمریکا: توسعه تضاد در بستر قدرت نرم رسانه، قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۰.
۶. زیبایی نژاد، محمدرضا؛ تفاوت‌ها، هویت و نقش‌های جنسیتی، مجموعه مقالات: هویت و نقش‌های جنسیتی، تهران: مرکز امور زنان و خانواده، ۱۳۸۸.
۷. ساری، حسین؛ تهدید رسانه‌ای (راديوهای بیگانه فارسی‌زبان)، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸.
۸. سریع‌القلم، محمود؛ مبانی نظری سیاست خارجی دولت بوش، فصل‌نامه مطالعات منطقه‌ای، ۱۳۸۱.
۹. شریفی، احمدحسین؛ جنگ نرم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

۱۰. شفایی، امان الله و شریفی، صالحه؛ بررسی تأثیر فمینیسم بر وضعیت ازدواج در جهان غرب، مقالات برگزیده دومین همایش جهانی زنان، مقالات برگزیده دانشجویی، تهران: معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، ۱۳۸۸.
۱۱. صادقی، هادی؛ جهان مجازی تلویزیون، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، خانه هنر و اندیشه، مجموعه مقالات همایش رسانه تلویزیون و سکولاریسم، قم: دفتر عقل، ۱۳۸۶.
۱۲. صفاتاج، مجید؛ سلطه پنهانی: سیطره نامرئی صهیونیسم بر سیاست، فرهنگ و افکار ملت‌ها، تهران: آرون، ۱۳۸۲.
۱۳. طباطبایی، سیدافشین، خانواده: پایه و سلول اصلی جامعه، رصد: ویژه‌نامه تحلیلی دفتر پژوهش مؤسسه فرهنگی، هنری خراسان، شماره بیستم، اردیبهشت ماه، ۱۳۹۱.
۱۴. عسگری، علی؛ راز رسانه، گفتارها و گفت‌وگوهای نادر طالب‌زاده، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱.
۱۵. علاسوند، فریبا؛ هویت و نقش‌های جنسیتی، مجموعه مقالات: هویت و نقش‌های جنسیتی، تهران: مرکز امور زنان و خانواده، ۱۳۸۸.
۱۶. فرج‌نژاد، محمدحسین؛ اسطوره‌های صهیونیستی سینما، تهران: هلال، ۱۳۸۷.
۱۷. فیاض، ابراهیم؛ سکولاریزم و نظریه‌های ارتباطات، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، خانه هنر و اندیشه، مجموعه مقالات همایش رسانه تلویزیون و سکولاریسم، قم: دفتر عقل، ۱۳۸۶.
۱۸. قوامی، زهرا و زارع، محبوبه؛ فمینیسم و همسان‌سازی فرهنگی، مقالات برگزیده دومین همایش جهانی زنان، مقالات برگزیده دانشجویی، تهران: معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، ۱۳۸۸.
۱۹. گاردنر، ویلیام؛ جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۶.

۲۰. نباتی، عزت‌الله؛ *جنگ رسانه‌ای*، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، ۱۳۹۱.
۲۱. نوایی‌نژاد، شکوه؛ *اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده: آسیب‌ها و الگوهای مطلوب خانواده*، بی‌تا.
۲۲. هاشمی، ریحانه و هاشمی زاده، سید محمد حسن؛ *شیوه‌های کنترل غریزه جنسی از نظر اسلام*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۳.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

شما می‌توانید پیشنهادات و نظرات خود را از طریق رایانامه به آدرس info@ntpasokh.com و یا از طریق تلگرام به شماره ۰۹۱۹۲۵۱۷۵۶۹ و آدرس: @ntpasokh به دفتر فصلنامه ارسال نمایید. همچنین مطالب فصلنامه در وبگاه مجازی به آدرس www.ntpasokh.com قابل مشاهده است.